

دائماً در حالت اضطراب از سرنوشت صدها هزار دانشجوی نگاه ندارد.

علی علوی

۱- حیات نو، ۸۰/۴/۱۸

۲- البته شایان ذکر است که دانشگاه‌هایی مانند امام صادق نیز از الگوهای رایج وزارت علوم پیروی نمی‌کنند.

۳- برای اطلاع بیشتر از وضعیت مذکور مراجعه کنید به زیبا جلالی نائینی، «خصوصی سازی فرهنگی تجربه مراکز غیر دولتی آموزش عالی» گفتگو، ش ۲۰، ص ۱۲۰ بابک دربیکی، «سردرگمی در نظام آموزشی»، گفتگو، ش ۱۸، ص ۱۱۵

هر چند شناخت و تحلیل دقیقی از یک نشریه را نمی‌توان از شماره اول آن به دست داد، اما با مروری بر آن می‌توان تا حدودی به برخی از ویژگی‌های اولیه آن پی برد. ماهنامه عروس که چهارمین شماره آن در شهریور ماه انتشار یافته از کیفیت و امکانات بالای فنی و گرافیکی و نیز کاغذ و جلد مرغوب برخوردار است. همین ویژگی در مورد نشریه ایران دخت و خصوصاً در مقایسه با ماهنامه زن جنوب که ظاهراً از امکانات فنی کمتری بهره گرفته، مشهود است.

اما توصیف این جزئیات تنها در جهت معرفی بیشتر نشریه است و مسلماً در محتوای آن کوچکترین بازتابی ندارد، حتی اگر در جذب مخاطب اولیه خود تأثیر موقتی داشته باشد. آنچه در بررسی این نشریات حائز اهمیت است، رویکرد متمایز آنهاست به زن و مسائلی که این نیمی از جمعیت انسانی با آن روبروست.

نشریات زنان: تنوع یا تکرار؟

وجود تنوع و تکرار در عرصه مطبوعات

از شاخصه‌های پیشرفت جوامع به شمار می‌رود زیرا تولد هر نشریه جدید به منزله گامی است بر آشکار شدن تکرار در گستره عقاید و دیدگاه‌های موجود در جامعه. بدین معنا، تولد سه نشریه جدید زنان به نام‌های عروس و زن جنوب که هر دو ماهنامه فرهنگی و اجتماعی‌اند و نشریه ایران دخت که ماهنامه سیاسی فرهنگی و اجتماعی است، می‌تواند نویدی باشد بر بروز این تکرار. نوید بخش‌تر آن که مدیر مسئول دو نشریه عروس و ایران دخت را آقایان بر عهده دارند.

همین تمایز در رویکرد آنان به زن مسلماً ناشی از تفاوت واقعی در دیدگاه و تفکر دست‌اندرکاران آن نسبت به هویت، جایگاه و نقش زن است؛ و بالطبع حاصل آن تفاوتی است در راهبردی که پیش پای او گذاشته می‌شود.

نشریه «مجمع اسلامی بانوان» - که در معرفی خود بر روی جلد از «ماهنامه» ولی در صفحه دوم «دو هفته نامه» یاد کرده است؟ - با مدیر مسئولی محمد حسین کروی نام اصیل و پر استعاره ایران دخت را برای خود برگزیده تا فارغ از هر نگرش و بار فرهنگی‌ای «دختر ایران» را «در اذهان تداعی کند [این عنوان] نه تنها امروز بلکه زنان قرون و اعصار گذشته ایران با فرهنگ‌های بومی، گویش‌ها و پوشش‌های گذشته و آداب و رسوم مختلف در ذهن تداعی می‌کند و وجود، لبریز از نوعی احساس عمیق و تأسف نسبت به محرومیت‌های آنان می‌گردد.»

زن و جنود

مجموعه آثار دکتر سید علی حسینی

رئیس مجلس شورا که این گفته‌ها را در مصاحبه‌ای در اولین صفحات اولین شماره این فکر را ایجاد می‌کند که صحبت‌هایش در حکم خط مشی نشریه است، بیان می‌کند که انتظار دارد نشریه صرفاً «زنانه» نباشد. چرا که «اشاعه متعهدانهٔ مقولاتی نظیر ارزش‌ها، فرهنگ، علم، تخصص، مذهب ادب، سیاست و زن و مرد نمی‌شناسد. [ولیکن] اگر زنان متعهد، معتقد و متخصص و آگاه و توانا باشند می‌توانند برای آقایان نیز الگو قرار بگیرند.»^۲ او اضافه می‌کند که به این خاطر این نشریه باید سندی افتخار آمیز برای «مجمع اسلامی بانوان» باشد. در این شماره از میان مجموعهٔ سی مقاله و نوشته و خبرهای کوتاه - اگر موضوع خانواده را خاص مسئله زنان در نظر بگیریم - سه مقاله به طور مستقیم مربوط به موضوعات زنان و بقیه به مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی روز پرداخته شده است.

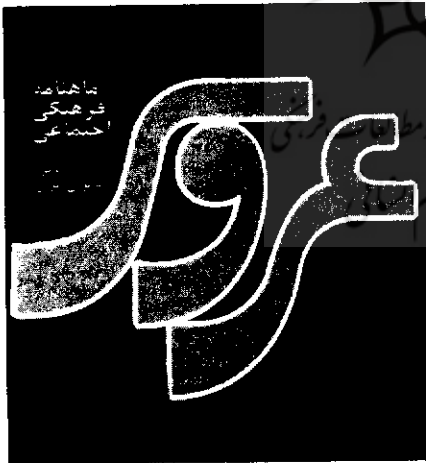
نشریه ایران دخت در اولین شمارهٔ خود و در معرفی خود نه تنها سخنی از برنامهٔ مشخصی برای پرداختن به مسائل زنان در چارچوب کار مطبوعاتی به میان نمی‌آورد، بلکه خط مشی خاصی را جز همان مصاحبه، در پرداختن به موضوعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن هم با عمق دید روزنامه‌ای در نظر ندارد. گویی بار دیگر زن یا به عبارت روشن‌تر نماد زن بهترین بهانه‌ای برای تحصیل «سندی پر افتخار» در عرصه مطبوعات برای

تشکلی زنانه که با سخاوت زیاد تنها یک صفحه را به خود اختصاص داده است.

نشریه عروس با مدیر مسئولی محمدعلی زم و صاحب امتیازی حوزه هنری، پهنه برنامه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و نیز مخاطبان خود را از «زن از دیدگاه افلاطون» و «ریشه‌شناسی کلمه زن» گرفته تا مقولاتی مانند «نخ و سوزن» و «نان حلوايي» گسترش داده است. سردبیری یک زن در این نشریه در تأکید بر محوریت مطالب پیرامون زن بارز است. عروس در معرفی گزینه‌های خود برای رویکرد به زن شکوه از آن دارد که «روز تولد حضرت فاطمه (ع) روز زن / مادر است، اما در واقع بیشتر بهانه‌ای شده برای پرداختن به تحمل، به ظواهر، زرق و برق ... خیلی وقت است اصل را فراموش کرده‌ایم و به فرغ می‌پردازیم اصلاً ما خود را فراموش کرده‌ایم ... بعد ناگهان دوباره یادمان می‌آید و آن حضرت را اسوه و الگوی خود می‌دانیم ... اما گویا باید پذیرفت کلمه انسان در ذات و ریشه خود با فراموش عجین شده است و از آن گریزی نیست!»^۳

این موضوع مانع از آن نمی‌شود که «رسالت ما زنان در این دنیا بسیار خطیرتر است از آنچه می‌پنداریم.» و نیز مانع از یادآوری و احیانا به کارگیری سخن ناپلئون که می‌گفت «مادر با یک دست گاهواره و با دستی دیگر دنیا را تکان می‌دهد.»^۴

اما ماهنامه زن جنوب در کلام نخست خود ابتدا و به روشنی به تبیین دیدگاه و اهداف خود می‌پردازد. اعتقاد ماهنامه زن جنوب بر این است که در تعریف «انسانیت نه مرد بودن مهم است و نه زن بودن. آنچه افتخار است انسانیت است»^۵... افراد این ماهنامه می‌گویند: «ما می‌خواهیم بگوییم، هستیم می‌خواهیم بمانیم و به آنانی که حقوق ما را نادیده می‌گیرند و می‌خواهند دین اسلام را سد راه ما زنان معرفی کنند بگوییم: در اسلام آنچه ملاک فاصله است تقوی است نه جنسیت. که در زمانه ما، که نه اکنون، بلکه با قدمتی به طول تاریخ بسیار شنیده‌ایم زن، زن است و مرد، مرد که زن بنده مرد است و مرد خدای کوچک.»^۶



برای افراد ماهنامه زن جنوب این امر مسلم است که بدون اراده و خواست متشکل و بدون برنامه‌ای مشخص که پیوند با نیازهای واقعی زنان ایجاد کند، امکان‌پذیر نیست. چرا که امروز «برای رسیدن به تساوی و برابری باید حرکت‌ها نمود و زخم‌ها برداشت و خون دل‌ها خورد... ما زنها برای بودنمان و ماندنمان و برای شکست دیوار فاصله باید حرکت کنیم و حرکت آغاز شده است. نمی‌توانیم منتظر بمانیم تا دیگران برایمان تصمیم بگیرند. ما می‌گوییم، دلیل می‌آوریم، منطق را مطرح می‌کنیم دیگران تأیید کنند. ما آزادیم. که انسان آزاد آفریده شده است.

ما خانواده‌ای خواهیم بود متشکل از زن و مرد که با یک زندگی متعادل و متناسب با شخصیت حقیقی و حقوقی خودمان هستیم. ما مدعیان برابری، استقلال و تحقق عدالت اجتماعی در تمامی زمینه‌های حقوقی، فرهنگی، اجتماعی و عملی هستیم.»

در این بررسی کوتاه از سه نشریه تازه به عرصه مطبوعات پا نهاده، بار دیگر به این نتیجه می‌رسیم که اولاً تلاش در ارایه تعریف و تفسیر از زن نه تنها ناممکن بلکه غیرضروری است. تعریف زن و نقش زن از چه جایگاهی و بر زمینه کدام نگرش صورت می‌گیرد؟ اگر هدف دستیابی به برابری انسانی و رفع هر گونه ستم است چه نیازی در ارائه تعریف و تعاریف متفاوت نو و کهنه از موضوع ستم و

نابرابری وجود دارد؟ زن نه یک مفهوم یا یک اندیشه یا تفکری زاینده انسان است که نیاز به تبیین و توصیف داشته باشد، بلکه همان گونه که در مقدمه و توضیح تمامی نوشته‌های مربوط به زنان تکرار و تکرار می‌شود نیمی از موجود انسانی است و لذا تعریفی در آن مترتب نیست. «زن بودن» نیز شاخصه و ویژگی قطعی و فطری ندارد که مردان فیلسوف، نویسنده، متفکر، دانشمند و ... بخواهند از آن ارائه بدهند که از «داده‌های ازلی» به «بایدهای ابدی» برسند و در پی آن سعی بر تجویز راهبردهای معینی برای آن برشمرند. دوم، حرکت فرهنگی در عرصه مطبوعات چنانچه برخاسته از یک تجربه و آزمون واقعی نباشد و پیوندی را با نیازهای واقعی مخاطبش در نظر نگیرد، ناگزیر حرکتی سترون را شکل می‌دهد که در بستر پویای جامعه - اگر نخواهد به زائده‌ای تبدیل شود - ابزاری بازدارنده خواهد بود. و چنانچه نشریه‌ای از پشتوانه فرهنگی و انگیزه‌های اجتماعی کافی برخوردار باشد، آن گونه که به وضوح زن جنوب از آن برخوردار است، و از طریق گفتگو پیوندش را با مخاطبش برقرار کند، آنگاه به منزله صدایی است در میان همه‌ها و سخنی برای بی‌صدایی آنانی که می‌خواهند، «برای زندگی بهتر و آرمانی تر گام بردارند» و می‌دانند که صدای آنان نه یگانه

آواست که «اشتراک دردها و رنج‌ها او را
آواگر زنان همدرد خواهد نمود.»^۷

زیبا جلالی نائینی

- ۱ گفتگوی اختصاصی با راس هرم قانونگذاری در ایران.
ایران دخت شماره اول شهریور ماه ۱۳۸۰ ص ۴
- ۲ همان‌جا
- ۳ مادر با یک دست گاهواره و با دستی دیگر دنیا را تکان
می‌دهد، عروس، شماره چهارم، شهریور ماه ۱۳۸۰، ص ۳
- ۴ همان‌جا
- ۵ کلام نخست، زن جنوب، شماره اول، شهریور ماه
۱۳۸۰ ص ۴
- ۶ همان‌جا
- ۷ همان‌جا

نزدیکی بیش از پیش اصحاب مطبوعات و
اریاب اطلاعات بود.

اکنون به نظر می‌رسد طرفین این
ماجرا سعی بر رفع سوء تفاهم‌های قبلی دارند
و رفتار متقابل دموکراتیک را تمرین می‌کنند.
مصاحبه حجت‌الاسلام یونسی با روزنامه
حیات‌نو نمونه‌ای از این تمرین دموکراسی
است. نمونه‌ای که به روشنی نشان می‌دهد
طرفین بحث سر جنگ با یکدیگر ندارند و بنا
را بر گفتگو و مدارا نهاده‌اند. این نکته که وزیر
پذیرفته است با روزنامه‌ای غیر دولتی گفت و
گو کند و ابهام و رازآلودگی را از چهره وزارت
خانه پاک نماید، پدیده‌ای مبارک است و باید
آن را به فال نیک گرفت. این مصاحبه که در
شماره ۳۲۶ روزنامه حیات نو با عنوان «اولین
مصاحبه اختصاصی مطبوعاتی با وزیر
اطلاعات» به چاپ رسیده، از جهات مختلف
در خور تأمل است.

نخست آن که همچنان که گفته شد
نگاه حاکم بر وزارت اطلاعات تغییر کرده و
مسولان این وزارتخانه عزم آن دارند که از
این پس در برده عزلت نشینند و با گفت و
گوی رودررو از ابهام و پوشیدگی کار خویش
بکاهند تا سوء تفاهم‌های احتمالی برطرف شود.
دو دیگر آن که در این نگاه جدید
تبیین رابطه «امنیت» و «خواست اکثریت» در
چارچوبی دموکراتیک موضوعیت یافته است.
یونسی آشکارا می‌گوید امنیت در درجه

مفهوم دموکراتیک امنیت

پس از وقایع ناگوار پاییز ۷۷ که به
«قتل‌های زنجیره‌ای» معروف شد و به تغییرات
گسترده‌ای در وزارت اطلاعات منجر شد،
بحث لزوم پاسخ‌گویی وزارت اطلاعات و لزوم
شفافیت سیاست‌ها و عملکرد آن وزارت‌خانه
در مطبوعات و محافل سیاسی مطرح شد.
تعامل مطبوعات و وزارت اطلاعات در چند
سال اخیر یکنواخت نبود و فراز و فرود بسیار
داشت. گاه وزارت‌خانه در مقام شاکی،
رویاروی مطبوعات قرار گرفت و گاه در
مواضع رسمی خود درصدد دفاع از مطبوعات
برآمد. حاصل این روند پر فراز و نشیب